

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۱/۰۶

نویسنده: ن. جلیل زاد

برادری در سنگر آزادی پشتون در کنار هزاره، هزاره در کنار پشتون



در دل تاریخ پر آشوب افغانستان، تصاویری هستند که از قاب زمان بیرون می زنند و فریاد وحدت، شرافت و مقاومت سر می دهند. این تصویر، دو برادر را نشان می دهد، یکی پشتون، دیگری هزاره، که شانه به شانه، تفنگ به دست، در برابر قشون متجاوز روس ایستاده اند. نه تنها نماد هم رزمی اند، بلکه تجسمی از روح مشترک ملت اند، ملتی که در سخت ترین لحظات، قومیت را کنار گذاشت و انسانیت را در آغوش گرفت. در سال های مقاومت ضد روس، افغانستان شاهد یکی از بزرگ ترین خیزش های مردمی بود. از کوه های هزارجات تا دشت های قندهار، از دره های کنرها،

ننگرهار، پنجشیر تا کوهپایه های نورستان، مردان و زنان این سرزمین با هر زبان و لهجه ای، با هر لباس و سنتی، برای آزادی جنگیدند. پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، بلوچ، نورستانی، ایماق و سایر اقوام شریف، همدل و همسنگر شدند تا خاک وطن را از چنگال استعمار بیرون کشند.

اما افسوس... افسوس که خون پاک این آزادگان، به جای آن که نهال آزادی را آبیاری کند، در باتلاق خیانت رهبری های فاسد، دزد، مزدور و خود فروخته غرق شد. کسانی که به جای خدمت به ملت، در خدمت استخبارات بیگانه بودند، کسانی که آرمان جانباخته گان را فروختند و ملت را از مسیر رفاه و سعادت منحرف کردند. با این حال، آن تصویر هنوز زنده است. آن دو برادر، هنوز در حافظه ملی ما ایستاده اند. آن ها نماد امیدند، نماد این حقیقت که اگر روزی دوباره بخواهیم برخیزیم، باید دست در دست هم بگذاریم. باید پشتون در کنار هزاره باشد، و هزاره در کنار پشتون. باید وحدت را بر تفرقه، شرافت را بر فساد، و انسانیت را بر تعصب ترجیح دهیم. با این قلم، دعوتی می دهم به بازگشت به آن روح مشترک. به آن لحظه ای که تفنگ ها نه برای کشتن، بلکه برای آزاد کردن بلند شدند. به آن زمانی که افغانستان، نه مجموعه ای از قوم ها، بلکه یک ملت واحد بود، ملتی که در برابر ظلم ایستاد و فریاد زد: ما همه فرزندان این خاکیم، و برای آزادی آن، جان می دهیم.

از سنگر تا ساختن وطن امروز، پس از ده ها جنگ، ویرانی و رنج، ملت افغانستان در آستانه یک انتخاب تاریخی ایستاده است. انتخاب میان ادامه ای مسیر تفرقه و بی اعتمادی، یا بازگشت به روحیه ای که در سنگرهای مقاومت شکل گرفت:

روحیه ای از همدلی، تفاهم و همبستگی ملی. این تصویر دو برادر، پشتون و هزاره، تنها یادآور گذشته نیست، بلکه چراغ راه آینده است. اگر آن ها توانستند در سخت ترین شرایط، با وجود تفاوت های قومی و فرهنگی، در کنار هم بایستند و برای آزادی بجنگند، چرا امروز نتوانیم برای آبادانی، رفاه و عدالت اجتماعی متحد شویم؟ تفاهم و وحدت ملی، تنها در شعارها تحقق نمی یابد. باید در ساختارهای سیاسی، در نظام آموزشی، در رسانه ها و در گفتار روزمره مردم نهادینه شود.

باید نسل نو را با ارزش های همزیستی، احترام متقابل و همکاری آشنا ساخت. باید تاریخ مقاومت را نه به عنوان جنگ، بلکه به عنوان مکتبی از شرافت، فداکاری و همدلی بازخوانی کرد. ملت افغانستان، با همه تنوع قومی، مذهبی و زبانی اش، یک پیکر واحد است. هر قوم، عضوی از این پیکر است، و سلامت این پیکر، در هماهنگی و همدلی

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالېږلو مخکې په خپل و لولئ

اعضایش نهفته است. هیچ قومی نباید احساس حاشیه نشینی کند، و هیچ گروهی نباید خود را برتر بداند. عدالت، برابری و احترام، ستون های اصلی تفاهم ملی اند. ما باید از گذشته بیاموزیم، اما در آن نمائیم. باید از خون جانباخته گان، پلی بسازیم به سوی آینده ای روشن. آینده ای که در آن، فرزندان پشتون و هزاره، تاجیک و ازبک، بلوچ و نورستانی، در یک مکتب درس بخوانند، در یک پوهنتون تحقیق کنند، و در یک دولت خدمت کنند. وطن ما، زخمی است، اما زخم هایش با مرهم وحدت التیام می یابد. با گفت و گو، با بخشش، با بازسازی اعتماد. باید از نو بنویسیم: تاریخ افغانستان را نه با تفنگ، بلکه با قلم، نه با نفرت، بلکه با عشق، نه با تفرقه، بلکه با تفاهم. و در پایان، این تصویر را باید در قاب دل ها نگه داشت. نه به عنوان خاطره ای از جنگ، بلکه به عنوان سندی از شرافت انسانی، از قدرت همبستگی، و از امید به آینده ای که در آن، هیچ افغان تنها نیست.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد